



پژوهشی کوتاه در ۵۰۰۰ سال تاریخ تمدن ایران

بخش پژوهش‌های تاریخ و تمدن مجله‌ی فردوسی

پیش‌تر گفته بودیم که تاریخ تمدن ایران از دره سند و اطراف رود گنگ در هندوستان آغاز شد و اقوام ایندو آریین که بعدها ایندو - یوروپیین نامیده شدند، از محل استقرار نخستین خود مهاجرت کردند و به شاخه‌های متعددی تقسیم گردیدند که یکی از بزرگ‌ترین شاخه‌های آن، راه فلات ایران را در پیش گرفت و نام خود را به سرزمین تازه داد و

۴- توجه حکومت مرکزی به وضعیت معاش و زندگی مردم کم‌رنگ‌تر شده و محور گردید.

۵- اوضاع سیاسی و اداری امپراتوری ساسانی دچار سردرگمی و نابه‌سامانی شود.

۶- سربازان و نظامیان از جنگ‌های پی‌درپی و طولانی خسته شوند و نارضایتی‌های عمومی اوج گیرد.

۷- نوعی تنفر سیاسی و اجتماعی از جنگ سرتاسر ایران را فرا گیرد.

۸- انسجام و استحکام و اتحاد ملی از هم گسسته شود.

۹- فشار هیأت حاکمه بر مردم و توده‌های زحمتکش بیشتر شود.

۱۰- بی‌دادگری و ستم مضاعف دولت ایران و استان‌داران و فرمانداران نسبت به توده‌های زحمتکش و فقیر به شکل روزافزونی گسترش یافته و ژرفای بین فقر و ثروت عمیق‌تر گردد.

۱۱- درخواست تسلیم و رضا از سوی موبدان و روحانیون زردشتی از مردم نسبت به اوضاع اقتصادی و اجتماعی موجود و اادار کردن اجباری توده‌های زحمتکش به سر فرودآوردن در مقابل مذهب، قدرت و پادشاه و انباشته شدن

شکست‌های تاریخی ایران در سال‌های پیش و در دوره پیروزی‌های اسکندر مقدونی، جنگ‌های طولانی مدتی را با یونانیان آغاز کردند. پیروزی‌ها و شکست‌های ۲۰۰ ساله‌ی ساسانیان و یونانیان باعث گردید تا:

۱- وضعیت شکوفای اقتصادی امپراتوری ساسانیان به وخامت گراید.

۲- برای تأمین مخارج جنگ و هزینه‌های دربار مالیات‌های بیش‌تری از شهروندان ایرانی دریافت شود.

۳- ایرانیان بیش‌تری در جنگ‌های دایمی بین ساسانیان و یونانیان کشته شوند.

با پایان گرفتن حکومت طولانی مدت و ۸۰ ساله‌ی اشکانیان، ساسانیان به پادشاهی می‌رسند و به زودی با همت پادشاهان بزرگی مانند اردشیر، شاپور، بهرام اول، هرمز، بهرام گور و... سیستم‌های اقتصادی، سیاسی، اداری و اجتماعی را که به علت جنگ‌های فراوان به طور کامل منهدم شده بود، پایه‌ریزی کردند و امپراتوری بزرگی مانند هخامنشیان را به وجود آوردند که ۴۲۰ سال دوام آورد و سرانجام توسط عرب‌ها منهدم گردید.

با پیدایش ساسانیان و قدرت گرفتن حکومت مرکزی و قوی شدن بنیان‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آنان، فکر جهان‌گشایی و تسلط بر سرزمین‌های دیگران تقویت شد و ماشین جنگی آنان به حرکت درآمد.

بزرگ‌ترین قوی‌ترین قوم حاکم در این دوره که بر نیمی از جهان متمدم آن زمان حکومت می‌راند، یونانیان بودند. با قدرت گرفتن پادشاهان ساسانی، آتش‌های زیر خاکستر قرن‌های گذشته دوباره شعله‌ور گردیدند و زبانه‌های انتقام‌گیری به تلافی شکست‌های گذشته به هوا برخاست.

ساسانیان که به هیچ‌وجه خود را کم‌تر و کوچک‌تر از یونانیان نمی‌دانستند، به تلافی





گنج‌خانه‌های شاهی از دست‌رنج مردم بی‌چاره و پر شدن حرم‌سراهای شاهانه از زنان و دختران زیبای با صاحب و بدون صاحب.

یک حلقه‌ی مفقوده در زنجیر ستر تاریخ فرهنگ و تمدن ایران پرسش‌های فراوانی به وجود آورده است.

اگر مجموع آن عوامل یاد شده را در نظر بگیریم، کافی است فقط یکی از عناصر بالا موجب شود تا زمینه‌های نارضایتی‌های عمومی فراهم گردیده و راه نفوذ و یورش اقوام مهاجم آماده شود و طمع کشورگشایی دشمنان تار و پود سیاسی و اجتماعی سرزمینی را از هم بگسلاند.

ساسانیان با ایجاد این‌گونه زمینه‌های بحران‌زا و آسیب‌پذیر اجتماعی، راه حضور مردمی وحشی و بیان‌گرد و به دور از نخستین پدیده‌های تمدنی را در مرزهای جنوبی و جنوب غربی ایران فراهم کردند و آتش طمع آن مهاجمان پا برهنه و گرسنه را شعله‌ور ساختند.

اگر از فرضیه‌های پیشین بگذریم و حقیقت انهدام امپراتوری ساسانی را توسط عرب‌ها، حقیقتی تاریخی و انکارناپذیر بدانیم به واقعیتی می‌رسیم که عناصر اصلی این انهدام تاریخی را باید در درون کاخ‌ها و گنج‌ها و ثروت‌های انباشته شده در گنج‌خانه‌های پادشاهان ساسانی و در عشرت‌کده‌ها و عیاشی‌ها و خوش‌گذرانی‌های حرم‌سراها و دربارهای سر به فلک کشیده آنان جست‌وجو کرد.

زنان و کنیزان بی‌شمار در درون کاخ‌ها، زندگی اشرافی و جلال و شکوه سلطنتی، بدون رسیدگی به نیازهای عمومی جامعه، زن‌بارگی و خوش‌گذرانی‌های دایمی، ظلم و بی‌داد و ستم مضاعف به طبقات زیرین اجتماع، سختی زندگی و فشار مضاعف طبقاتی، جمع‌آوری مالیات‌های غیرعادلانه، مصادره اموال، ستاندن ثروت مردم به زور، اجحاف و زورگویی دولت‌مردان، حضور دین سیاسی در گوشه و کنار زندگی مردم، گریزناپذیری مردم از طبقات زیرین اجتماع به طبقات مرفه‌تر و غیر از طبقات موروثی خود.

تاریخ تمدن و فرهنگ قومی که داعیه‌ی ۵۰۰۰ سال تاریخ فرهنگ و تمدن درخشان و حکومت مطلق بر بیش از نیمی از گستره شناخته شده جهان آن روزگار داشت، در هم پیچیده شده و نابود گردد.

ایران در جنگ عرب‌ها

یورش دسته‌هایی چند از عرب‌های بیابان‌گرد و ساکن صحراها بدون کم‌ترین اطلاعات نظامی‌گری و فاقد هر گونه تجهیزات جنگی، اما مشجع و متحد و متکی به ایمانی محکم همانند دین اسلام و رهبر بزرگش، به ملتی شهرنشین و تمدن و دارای بالاترین اطلاعات علمی و فنی و پیشرفته‌ترین سیستم‌های نظامی‌گری و لشکرکشی عصر خود و دارای تجربه‌ی چندساله در جنگ‌های بزرگ تاریخ بشری و متخصص در جنگ‌های

موروثی بودن مقام و مرتبه و شخصیت مردم و تقسیم موقعیت‌های اجتماعی بر حسب ثروت و وابستگی‌های خانوادگی و موروثی، فشارهای مضاعف مذهبی، چپاول اموال عمومی با توسل به ترفندهای مذهبی دین‌داران سیاسی و دولتی، دخالت مذهب در امور جامعه و یکی شدن دین و سیاست، اختلاف‌های آشکار مذهبی و تشنیت‌آرای دینی، ظهور و سقوط ادیان مختلف، آشوب و اغتشاش‌های داخلی، جنگ دایمی بر سر کسب قدرت، اختلاف‌های آشکار سیاسی شاه‌زادگان و خاندان‌های سلطنتی برای دست‌به‌دست گشتن حاکمیت‌ها، جنگ‌های ۲۰۰ ساله‌ی بی‌نتیجه، ویران‌گر و تمدن‌سوز ایران و روم و بسیاری از اختلاف‌های داخلی و نابه‌سامانی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و بی‌تفاوتی پادشاهان ساسانی نسبت به درخواست‌های سیاسی - اقتصادی جامعه، همه و همه دست در دست یکدیگر دادند تا ملت ایران را از نظر اجتماعی، اقتصادی،

سیاسی و نظامی خسته و فرسوده و بیگانه از خویش گشته و زمینه را آماده یورش هر قوم و قبیله‌ی مهاجم نمایند تا تار و پود سیاسی - اجتماعی تاریخ تمدن و فرهنگ ۱۶۵۲ ساله‌ی این قوم با خاک یکسان شود و نابودی خط و زبان و فرهنگ و تمدن آن برای ۶۰۰ سال آینده و سده‌های بی‌شمار بعد از آن زیر تأثیر اقوام مهاجمی همانند عرب‌ها، ترکان و مغولان گردد.

قدر مسلم و تقدیر چنین بود که مهره شانس و گردونه‌ی خوشبختی در این ایام آشفته و نابه‌سامان به نام عرب‌ها رقم بخورد و طالع نحس و فال بدنام و بد سرانجام و تاج ننگین شکست بر سر پادشاه بی‌چاره و بدخت به نام یزدگرد سوم بنشیند و تومار سرنوشت



منظم و غیرمنظم و مجهز به آخرین تجهیزات جنگی آن دوره، همراه با سپاهیان کارآزموده چند صد هزار نفری، اما متفرق و مأیوس و سرخورده از ستم‌های اجتماعی، باعث گردید

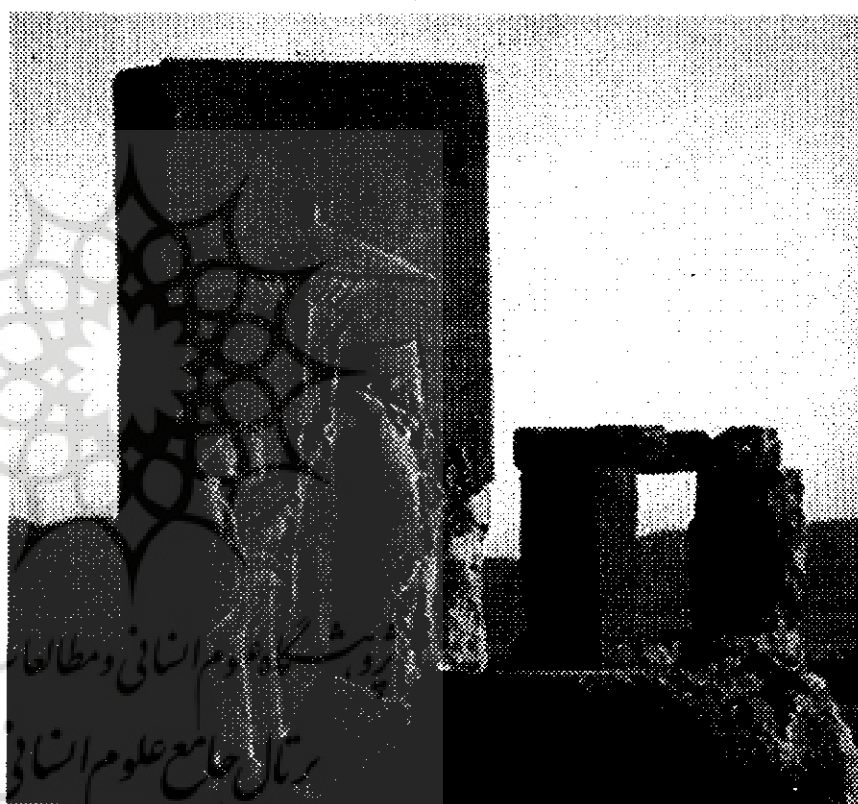


تا تاریخ فرهنگ و تمدن ۵۰۰۰ ساله‌ی قومی متمدن دست خوش تهدید و انهدام قرار گیرد.

حمله‌های غیرمنظم و اتفاقی مرزی
روزهای نخستین ظهور اسلام که توسط گروهی از اقوام بدوی و بیابان‌گرد عرب برای غارت شهرهای مرزی ایران صورت می‌گرفت، از سوی فرماندهان و سرداران غرق در غرور و خودخواهی ساسانیان به سخره گرفته شد. سرانجام آن یورش‌های اتفاقی و غیرمنظم پس از ۲۰ سال روی هم انباشته شد و به صورت لشکری از سربازان خدا درآمد که به آن‌ها تعلیم داده شده بود اگر کشته شوند و یا زنده بمانند جای آن‌ها در بهشت است. در عصر دهمین

در همان آسیایی که پنهان شده بود و به دست همان آسیابانی که به او پناه داده بود، به طمع دست یافتن به طلاهای شاهانه سرش توسط آسیابان بریده شد و تومار آن تمدن و فرهنگ چندین هزار ساله در زیر خاک مدفون گردید و استقلال سرزمین ایران از دست رفت.

آن یورش‌های اتفاقی عده‌ای بیابان‌گرد
و صحرا نشین در روزهای نخستین، سرانجام جای خود را به حمله‌های سنگین و سهمگین و سازمان‌یافته دادند و تار و پود یکی از بزرگ‌ترین، قدرتمندترین، با شکوه‌ترین و ثروتمندترین امپراتوری‌های آن روز جهان را از هم گسیختند و کاخ سر به فلک کشیده شاهنشاهی ایران از بیخ و بن



منهدم گردید و آن تمدن فرهیخته و شکوفای چندین هزار ساله برای همیشه در دل ویرانه‌های تاریخی که پادشاهی ساسانیان و یورش عرب‌ها به ما تحمیل کردند برای همیشه مدفون گردید و هرگز سر از خاک در نیاورد.

امواج سهمگین و بسیار سریع و بدون توقف یورش عرب‌ها بر ایران، ابتدا به بهانه‌ی چپاول و غارت‌های مرزی و سپس در زیر شعار حکومت الله و انهدام برق‌آسای بنیادهای زیربنایی امپراتوری ساسانی و گسیخته شدن تار و پود سیستم اقتصادی، سیاسی، نظامی، اداری و اجتماعی، آن‌چنان

خلیفه‌ی مسلمین (عمر ابن خطاب) در جنگی که عرب‌ها آن را «فتح الفتوح» نامیدند و به سرداری فرمانده عرب «نعمان بن مقرن» کاخ بزرگ و سر به فلک کشیده قباد، انوشیروان عادل! خسرو پرویز و ۲۷ پادشاه قدرتمند دیگر ساسانی فرو ریخت و یزدگرد سوم با آن ارتش کارآزموده شکست‌ناپذیر!! شکست خورد و در پی حمله و گریزهای پراکنده سرانجام در سال ۲۱ هجری و در عصر خلافت عثمان سومین خلیفه شکست خورد و به امید یافتن پشتیبان به مرو گریخت و سرنوشتش این بود که در پناه آسیابانی از مرگ نجات یابد. روزی بیش‌تر نگذشت بود



صفحه ۱۲۹

ناگهانی و باورنکردنی بود که حتی عرب‌ها را نیز شگفت‌زده کرده بود. این شکست غیرقابل تصور، سایه‌ای از

ترس و ترور و مرگ بر سرتاسر ایران آن روز، از سلسله کوه‌های پامیر و هندوکش و دره ورود سند و ایالت‌های غربی هندوستان و جلگه‌های حاصلخیز فرارود (ماوراءالنهر) در شمال، شمال شرقی، شرق و جنوب شرقی آسیای میانه تا مرزهای روم، یونان، انطاکیه، اندلس، قسطنطنیه، شام، سوریه، بیزانس، یمن، مصر و شمال آفریقا گسترانید.

این پیروزی‌های شگفت‌انگیز باعث شدند تا قوم مهاجم در زیر سایه‌ی مبارزات مذهبی و حکومت اسلامی و جهاد با کافران و غیرمسلمانان و جنگ با زندیق‌ها و مجوسان و گبران و آتش‌پرستان و بی‌دینان و بددینان و منافقان، آتشی سر به فلک کشیده و به پهنای گستره ایران آن عصر برافروزد که تا صدها سال بعد نیز شعله‌های سرکش آن هر چیزی را که بر سر راه آن بود بسوخت و منهدم نمود.

تا زمان حضور شخصیتی دینی و الهی به نام حضرت محمد (ص) در بین عرب‌ها، آن حضرت به عنوان کانون رفع اختلاف‌های آشکار قومی و قبیله‌ای به راستی اتحادی شگفت‌انگیز بین این مردم که از اقوام و قبیله‌های غیرمتمدن و بیابان‌گرد تشکیل شده بودند ایجاد کرد. تمام اختلاف‌های درونی و قبیله‌ای عرب‌ها در دوران حضور پیامبر گرامی به خوبی حل و فصل می‌شد و کم‌تر مشکل اجتماعی باقی می‌ماند.

نگاهی به شیوه زندگی و شخصیت و خصلت‌های نیکو و الهی حضرت محمد رسول‌الله (ص) پیامبر گرامی مسلمین و مقایسه‌ی آن بزرگواری‌ها و بخشش‌های الهی با شیوه‌های سیاسی و حکومتی جانشینان آن حضرت، نشان‌دهنده عمق فاصله گرفتن‌ها و دوری گزیدن‌های عرب‌های حاکم بر سرنوشت ملت‌های شکست خورده بعد از سال‌های طلایی حضور حضرت محمد (ص) است.

به اعتقاد بسیاری از مورخین، چنان‌چه

مقدونی‌ها و عرب‌ها در دو یورش بسیار سنگین تاریخی، تمام پدیده‌های علمی و فرهنگی نوشته شده ایران زمین را نابود کردند.



شکست ساسانیان در زمان حضور حضرت محمد (ص) اتفاق می‌افتاد، این همه بی‌عدالتی‌ها، قتل عام‌ها، غارت‌ها، انهدام تمدن و فرهنگ مردمانی متمدن مانند ایرانیان هرگز صورت نمی‌گرفت.

به گوشه‌ای از آخرین روزهای زندگی پیامبر اکرم از زبان ابوالفدا مورخ بزرگ عرب نگاه می‌کنیم:

«ده سال که از هجرت گذشت، آن گاه پیغمبر از مدینه به عزم انجام حج به سوی مکه حرکت کرد و این آخرین حجی بود که آن حضرت انجام داد. ابوالفداء گوید، چون پیامبر از این سفر بازگشت روزی که در خانه‌ی زینب بنت جحس بود بیمار شد. طبق معمول هر روز به خانه‌ی یکی از زنانش می‌رفت، در خانه‌ی میمونه دختر حارث که رفت بیماریش سخت شد. پس زنان خود را گرد آورده فرمود: برای رفع این بیماری و بهبودی کامل لازم است در خانه‌ی یکی از زنان بمانم. همگی رضایت دادند که پیامبر در خانه‌ی عایشه بماند.

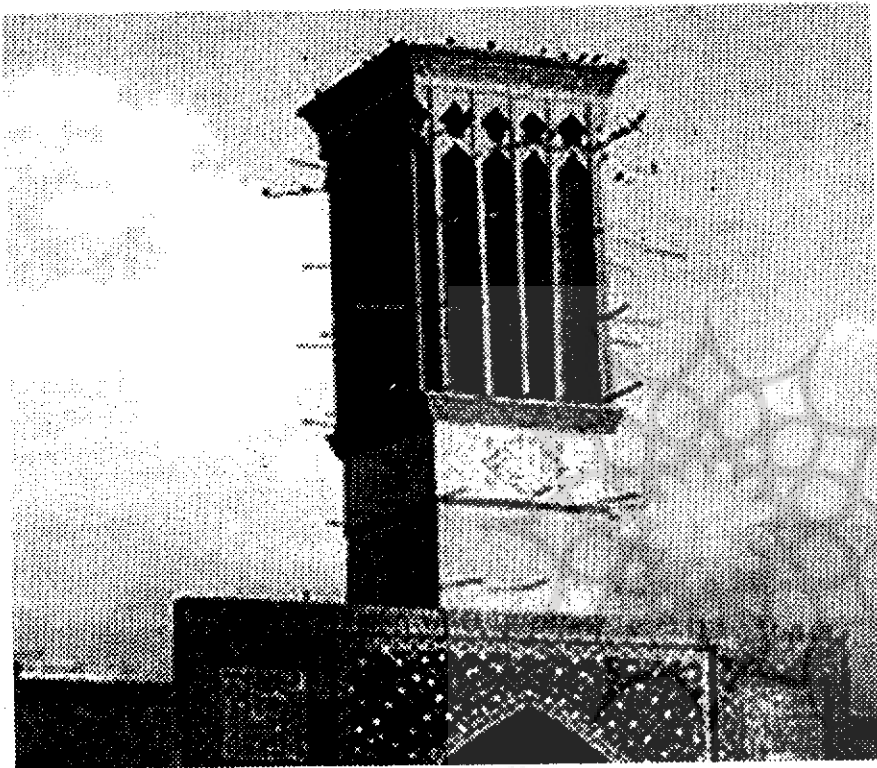
پیغمبر احساس کرد که مرگش نزدیک شده و خواست با مردم خداحافظی کند. از این رو یاران خود را گردآورد. پس از آن که سپاس خدای را در ادای رسالت به جای آورد گفت:

صلح و هم‌زیستی با تمام نژادهای انسانی، گذشته از دین و اعتقادات غیرمشرک، حلقه‌های ارتباطی آریاها با ملت‌های دیگر بوده است.

«ای مردم به هر که من تازیانه زده‌ام اکنون برخیزد و مرا قصاص کند. اگر سخن ناروایی درباره آبروی کسی بر زبان رانده‌ام، همچنان قصاص نماید. اگر مالی از کسی گرفته‌ام، هم اکنون بیاید از مال من بگیرد. مبادا از کینه و دشمنی من بیمی به دل راه بدهد، زیرا کینه و دشمنی در من نیست و من از آن دورم.» مردی در جمع بود، برخاست و ادعا کرد که سه درهم از پیامبر طلبکار است. پیامبر عوض آن را به او داد و فرمود: «آگاه باشید که تحمل رسوایی دنیا آسان‌تر از تحمل رسوایی آخرت است.» در پایان به کسانی که با او در جنگ‌ها شرکت کرده و کشته شده

بودند، درود فرستاد و آن گاه او را به خانه‌ی عایشه بردند. پیامبر پس از ۱۵ روز تحمل بیماری در سال ۱۱ هجرت در سن ۶۳ سالگی از دنیا رفت.» (ص ۱۱۱ - کتاب «تمدن اسلام و عرب» تألیف دکتر گوستاو - لوبون فرانسوی - ترجمه‌ی حضارۀ العرب - به کوشش سید هاشم حسینی - چاپ دوم - انتشارات اسلامیه - تهران - ۱۳۵۴).

پس از رحلت حضرت محمد (ص) اختلاف‌های قومی و قبیله‌ای سال‌های دور گذشته دوباره نمایان گردید. نخستین



نشانه‌های آن در مورد جانشینان آن حضرت پدیدار شد و اسلام به دو شاخه‌ی اصلی و چندین شاخه‌ی دیگر تقسیم گشت.

با درگذشت عثمان بن عفان، آل ابوسفیان و فرزندش معاویه و سپس یزید و بعد... خلفای اموی و از پس آنان خلفای عباسی نزدیک به ۷۰۰ سال به بی‌داد و ستم در سرزمین‌های اسلامی حکومت راندند. (۴۰ سال حکومت اسلامی تا بنی‌امیه، بنی‌امیه ۹۰ سال و بنی‌عباس ۶۰۲ سال)

پس از تثبیت قدرت عرب‌ها بر مملکت تسخیر شده ایران و استقرار حکومت مذهبی آنان، مخصوصاً در سال‌های نخستین استقرار حاکمیتشان، هیچ کس جرأت کوچک‌ترین اعتراض به شیوه حکومتی افرادی که خود را نماینده خدا در روی زمین

می‌دانستند و برای خود حق ولایت و سرپرستی بر توده‌های مردم قایل بودند، نداشت و آن‌هایی هم که فریاد اعتراض و استقلال و آزادی‌خواهی بر می‌داشتند به جرم واهی مخالفت با خدا و پیامبر و دین اسلام به گناهی ناکرده مجازات می‌شدند و گروه‌های بی‌شماری از ایرانیان آزاده و کسانی که یوغ اطاعت و بندگی عرب‌ها را نپذیرفته بودند، گرفتار اسارت و مصادره اموال و مرگ گردیدند.

اما، با تمام فشارهای سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای که از سوی حاکمان به مردم وارد می‌شد از همان سال‌های نخستین حکومت اسلامی، بیشتر وفاداران فکری و سیاسی کانون‌های قدرت که به اعتقاد عرب‌ها باید از بین نژاد عرب و یا بیگانگان عرب شده انتخاب می‌شدند، با مشاهده بی‌عدالتی حاکمان اسلامی به مخالفت با آنان برخاستند.

با افزایش تعداد مخالفان در سال‌های بعد، گروه‌های سیاسی متعددی پا گرفتند و نخستین هسته‌های مقاومت به شکل نهضت‌های استقلال‌طلبانه به وجود آمدند.



شماره ۳۱

۷- هزار سال نثر پارسی - کریم کشاورز - ناشر سازمان کتاب‌های جیبی - تهران ۱۳۴۵

۸- دیوان‌های مختلف شاعران قرن سوم هجری به بعد

۹- ایران از آغاز تا اسلام - پروفیسور گیرشمن - ترجمه دکتر محمد معین

۱۰- تاریخ بیهقی - به کوشش: دکتر غنی - دکتر فیاض

۱۱- معجم البلدان - چاپ لایپزیک - کتابخانه ملی بریتانیا

۱۲- راحة الصدور راوندی - چاپ لیدن - کتابخانه ملی بریتانیا

۱۳- تاریخ دولت آل سلجوق - البنداری الاصفهانی

۱۴- مجموعه تاریخ ادبیات ایران - دکتر ذبیح‌الله صفا - انتشارات فردوس - چاپ چهارم - تهران ۱۳۷۸

۱۵- تاریخ معاصر ایران - پیتراوری (استاد دانشگاه کمبریج انگلستان) ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی - انتشارات عطایی - تهران ۱۳۶۳

۱۶- تاریخ ایران باستان تا امروز (۶ مورخ) گرانوسکی، داندامایو، آ. کاشلنکو، پتروشفسکی، م. ایوانوف، ک. بلوی ترجمه کیخسرو کشاورزی - انتشارات پویش - تهران

۱۷- تاریخ ایران - رابرت - گرنٹ واتسن - ترجمه وحید مازندرانی - انتشارات امیرکبیر - تهران ۱۳۴۸

۱۸- مجموعه بزرگ تاریخ ویلنورانت - ویل نورانتها - ترجمه گروه مترجمین - انتشارات انقلاب اسلامی

۱۹- تاریخ ایران از دوره باستان تا قرن ۱۸ میلادی (۵ مورخ) پیگولوسکایا، پاکوبوسکی، پتروشفسکی، بلنیتسکی، استرویوا - ترجمه کریم کشاورز - انتشارات پیام - تهران ۱۳۵۴

۲۰- تاریخ مفصل مشروطیت ایران - عباس اسکندری - انتشارات میخک - تهران ۱۳۶۱

۲۱- مشرق‌زمین گاهواره تمدن - ویل نورانت - ترجمه دکتر امیرحسین آریان‌پور

۲۲- خاطرات و خطرات - مهدی‌قلی‌خان هدایت (حاج مخبرالسلطنه هدایت) نشر زوار - تهران ۱۳۶۱

۲۳- انقلاب مشروطه ایران - رحیم رضازاده ملک - نشر زوار - تهران ۱۳۷۷

۲۴- تمدن اسلام و عرب - گوستاو، لویون - ترجمه حضار العرب - انتشارات اسلامی - به کوشش: سید هاشم حسینی - تهران ۱۳۵۴

۲۵- ایران، کده، شوش - مادام ژان ویولافوا - ترجمه محمدعلی فره‌وشی - به کوشش دکتر بهرام فره‌وشی - انتشارات دانشگاه تهران - ۱۳۶۹

۲۶- سفرنامه‌های خاطرات کاووش‌های باستان‌شناسی شوش - مادام ژان ویولافوا - ترجمه ایرج فره‌وشی - دانشگاه تهران ۱۳۶۹

« ادامه در شماره آینده »

زردشتی سر از لاک سرگردانی و سلطه‌ی وحشتناک بیگانه درآورده و با اطاعت از مقررات پرداخت مالیات‌های مذهبی مانند جزیه و خراج، نوعی بازنگری قومی را در خویشتن آغاز کردند. ایرانیان شکست خورده به منظور حفظ فرهنگ و تمدن کهن باستانی خود از دین و باورهای ملی خود دست نکشیدند و به تدوین کتاب‌های علمی و تفسیر اوستا و بررسی و تدوین رساله‌ها و کتاب‌های پهلوی پرداختند. بدون تردید درصد بسیار بالا و ارزشمندی از آن فرهنگ غنی و تمدن درخشان پیش از یورش عرب‌ها که تاکنون در دست داریم، مرهون بزرگواری و فرهیخته‌گی و خردورزی و بازنگری قومی همان گروه‌های اندیشمندی است که تمدن چندین هزار ساله‌ی خود را منهدم شده



می‌پنداشتند و در این دگردیسی اجتماعی اجازه ندادند چراغ دانش و فرهنگ و تمدن ایرانی دست‌خوش گردید. خانمان‌سوز یورش بیگانگان شده و خاموش گردد.

کتاب‌نامه‌ی ۵۰۰۰ سال تاریخ

فرهنگ و تمدن ایران

- ۱- قابوس‌نامه - قابوس بن وشمگیر
- ۲- تاریخ حبیب‌السیر - میرخواند
- ۳- تاریخ جهان‌کشای جوینی
- ۴- تاریخ طبرستان
- ۵- تاریخ مغول - عباس اقبال آشتیانی
- ۶- فرهنگ و تمدن ایران - محمود بختیاری

در این جبر محتوم و تاریخی پیروزی قومی بیابان‌گرد، بر قومی پیش‌رفته و متمدن، حقیقتی ملموس نهفته است بر این مینا که اگر ایرانیان می‌پنداشتند که با خالی کردن پشت دولت‌مردان و نظامیان خود عامل پیروزی قومی می‌شوند که از گرد راه نرسیده آن‌ها را به اسارت فکری و فرهنگی و نژادی می‌کشند، تمام بدبختی‌ها، ستم‌ها، نابرابری‌ها و مصیبت‌های دوران وحشتناک اختلاف طبقاتی ساسانیان را با جان و دل می‌پذیرفتند و هرگز تسلیم قومی چنین ستم‌گر و عهدشکن نمی‌شدند. تمام تصور ایرانیان در آن عصر این بود که دین اسلام، دین برابری و عدالت و گذشت است و راه نجات آنان از ستم‌های اجتماعی، پناه بردن به این دین مقدس

می‌باشد، در حالی که بعد از درگذشت پیامبر کرامت و رحمت، خلفا ثابت کردند که چنین نیست.

با گذشت سال‌های نخستین یورش سهمگین و بی‌امان عرب‌ها و استقرار حکومت دینی آنان، ترس قوم شکست‌خورده از قتل عام‌ها، مصادره اموال، ویران شدن شهرها، سوختن کتابخانه‌ها، انهدام خط و زبان و فرهنگ و تمدن ایرانی فرو ریخت و نژاد ایرانی دریافت که با چه رنج بزرگی روبرو شده است. به همین سبب گروه‌های دهقان (دبیران)، نویسندگان و فرهیخته‌گان (اشراف، توده‌های فرهنگی، ایرانیان ملی‌گرا و موبدان و دبیران